

جشن‌های ایرانی، شهر یورگان

فرشته عبداله‌هی

دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی
دانشگاه شهید بهشتی

«منظور از جشن خوانی سرودهای ستایش و آفرینی^۴ است که در آغاز جشن توسط موبدان تلاوت می‌شود و آن عبارت است به مقتضای موقعیت آیاتی از **اوستا** و «آفرین‌نامه‌ی خشر یانه» یا آفرین شهریار. البته بعد جشن خوانی که عبارت از مقدمه‌ی هر جشن و برنامه‌ی بود، به کل مراسم یک جشن اطلاق شد».

انواع جشن‌ها در ایران باستان

پژوهشگران و محققان برای سهولت فهم، تقسیمات متفاوتی را برای جشن‌های ایران باستان در نظر گرفته‌اند: «در سنجش جشن‌های ایرانی با یک‌دیگر، به سه گونه از آیین‌های سالیانه بر می‌خوریم:

الف) جشن‌های ماهیانه که برابری نام روز و نام ماه در آن‌ها مناسبت گرفتن جشن است، مانند اردیبهشتگان و خردادگان؛
ب) مناسبت‌های مخصوص مانند خرداد روز از فروردین ماه و گاهنبارها؛

ج) جشن‌های سالیانه که بیش‌تر به نوروز و تغییر فصل زمستان و بهار باز می‌گردند، مانند سده و چهارشنبه سوری.
به نظر می‌رسد که با بررسی اجمالی این جشن‌ها براساس تاریخچه، اسطوره، آداب و رسوم و کاربرد اجتماعی آن‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که بنیان دو گروه نخستین را باید با باورهای دینی زردشتی در پیوند دانست و در دسته‌ی سوم، صبغه و رنگ ملی و عمومی و غیر دینی غلبه دارد».^۵

استاد بهار معتقد است: «اعیاد بازمانده از عهد باستان در ایران دو دسته‌اند؛ یکی اعیاد دینی یا گاهنبارها که اعیادی از آن زردشتیان است و دیگر اعیادی ملی که برجسته‌ترین آن‌ها نوروز، مهرگان و جشن سده است.

اعیادی که در سنت زردشتی کهن در هر ماه، به‌هنگام یکی بودن نام روز و ماه برگزار می‌شد، احتمالاً زیر تأثیر تقویم مصری ست. اما علت آن که این اعیاد را به دینی و ملی بخش می‌کنیم، این است که در **اوستا** سخنی از عید نوروز و عید مهرگان و جشن سده در میان نیست. در متون میانه نیز که از نوروز و مهرگان یاد می‌شود از جشن سده ذکر نیست».^۶

در مجموع، جشن‌های ایران باستان را به سه دسته به قرار زیر

□ در فرهنگ کهن سال این مرز و بوم همواره جشن و شادی با هم پیوندی ناگسستنی دارد و شادی از کردار «سپنتامینوی» معرفی شده است.

در سنگ نبشته‌های شاهنشاهان هخامنشی آمده است:
«اهورامزدا، شادی را برای مردم آفریده است».

ایرانیان برای هر پدیده و آفریده‌ی نیک جشنی برپا می‌کردند و در حالی که به ستایش اهورامزدا می‌پرداختند، از شادی و سرور نیز غافل نبودند.

جشن‌ها گنجینه‌ی گران‌بهایی از هویت و فرهنگ ما ایرانیان است، زیرا بازتاب فراوان و گسترده‌ی در تاریخ و ادبیات ما دارد که حفظ و نگاه‌داشت آن لااقل به‌عنوان یک میراث فرهنگی برای ایرانیان واجب است.

ریشه‌ی واژه‌ی جشن

در مورد ریشه‌ی واژه‌ی جشن چنین آمده است: «جشن به فتح اول و سکون ثانی از فارسی میانه‌ی زردشتی: [jasn [ysn] و اصل اوستایی: yasna می‌آید. Yasna در زبان اوستایی مرکب است از yas به اضافه‌ی na که yaz صورت اصلی yas است و z پیش از n بدل به s شده است. ریشه‌ی yaz «ستودن» معنی می‌دهد. na پسوند اسم‌ساز و yasna به معنی ستایش است و بر بخشی از متن **اوستا** هم اطلاق شده است.

در فارسی میانه‌ی زردشتی yasn در معنی yasna اوستایی به کار رفته است و jasn در معنی «جشن فارسی دری». بدین ترتیب اکثر جشن‌ها، بن‌مایه‌ی دینی دارند و حتا خود کلمه‌ی «جشن» نیز به معنای ستودن است».^۱

موبد آذرگشسب عقیده دارد: «واژه‌ی جشن از کلمه‌ی اوستایی یسنه yasna آمده و این کلمه از ریشه‌ی «یز» yaz اوستایی (در سانسکریت یج [ya] مشتق شده که معنی ستایش کردن می‌دهد، بنابر این واژه‌ی جشن به معنی ستایش و پرستش می‌باشد. زرتشتیان واژه‌ی جشن jashn را به‌طور کلی به مراسم عید و ایام خوشی و سرور اطلاق می‌کنند، در حالی که مراسم مذهبی و سرودن **اوستا** در آن ایام را جشن jashen می‌خوانند».^۲

تقسیم می‌توان کرد: ^۷

الف) جشن‌های ماهیانه؛ ب) جشن‌های سالیانه؛ ج) جشن‌های متفرقه.

الف- جشن‌های ماهیانه

در ایران باستان سال دوازده ماه داشت و هر ماه سی روز بود. هر روز به نامی خوانده می‌شد. به علاوه پنج روز به نام پنجه‌وه یا پنجه‌ی بزرگ به پایان ماه دوازدهم اضافه می‌کردند تا سال ۳۶۵ روز درست شود. نام پارسی سی روز عبارت بود از:

۱- اورمزد؛ ۲- وهمن (بهمن)؛ ۳- اردیبهشت؛ ۴- شهریور؛ ۵- سپند ارمزد؛ ۶- خرداد (خرداد)؛ ۷- امرداد؛ ۸- دیب‌آذر (دی به آذر)؛ ۹- آذر؛ ۱۰- آبان؛ ۱۱- خور (خورشید)؛ ۱۲- ماه؛ ۱۳- تیر؛ ۱۴- گوش؛ ۱۵- دیمهر (دی به مهر)؛ ۱۶- مهر؛ ۱۷- سروش؛ ۱۸- رشن؛ ۱۹- فروردین؛ ۲۰- ورهرام (بهرام)؛ ۲۱- رام؛ ۲۲- باد؛ ۲۳- دیدین (دی به دین)؛ ۲۴- دین؛ ۲۵- ارد (اشی)؛ ۲۶- اشتاد (ارشتاد)؛ ۲۷- آسمان؛ ۲۸- زامیاد؛ ۲۹- مانتره سپند (مهرسپند)؛ ۳۰- انارام (انیران).

در هر ماه هنگامی که نام روز و ماه با هم برابر می‌شد آن روز را جشن می‌گرفتند و تا پایان سال دوازده جشن ماهیانه داشتند که به باورهای دینی زرتشتی پیوند داشت.

ب- جشن‌های سالیانه (جشن‌های ششگانه)

این جشن‌ها که به یاد شش مرحله‌ی آفرینش برپا می‌شد، به نام گهنبار یا گاهنبار یا گاهیار معروف است.

«در سنت مزدیسنا نیز، اهورامزدا جهان را در شش مرحله در مدت یک سال بیافرید. پس از هر مرحله‌ی آفرینش، اهورامزدا پنج روز می‌آسود و آن‌گاه مرحله‌ی بعد آفرینش آغاز می‌شد. در گاه اول، آسمان، در گاه دوم، آب، در گاه سوم، زمین، در گاه چهارم، گیاهان، در گاه‌ی پنجم، جانوران، در گاه ششم، آدمی آفریده شدند. در فاصله‌ی فترت‌های پنج روزه در هر مرحله‌ی آفرینش [پنج روز آسودگی اهورامزدا] جشن بزرگ فصلی برپا می‌شدند و مجموعاً به نام گاهنبار یا گهنبار خوانده می‌شوند».^۸

پ- جشن‌های متفرقه

به جشن‌هایی اطلاق می‌شوند که اگر لایه‌های زیرین آن را جست‌وجو کنیم نه تنها نام و شیوه‌ی برگزاری آن‌ها را در متون مذهبی به خصوص اوستا نمی‌یابیم، بلکه دارای یک سری تمایزهایی با جشن‌های دینی زرتشتی نیز می‌باشد. این‌گونه جشن‌ها اغلب به جشن‌های ملی معروف هستند، البته با جشن‌های زرتشتی به مرور زمان پیوندی بنیادین و دیرین نیز برقرار نموده‌اند. بعضی از این جشن‌ها دارای نقش و کنش اجتماعی بوده‌اند و بعضی دیگر به تاریخ و تقویم مربوط می‌شوند. این‌گونه جشن‌ها عبارتند از:

۱- جشن نوروز؛ ۲- جشن مهرگان (ملی مذهبی)؛ ۳- جشن سده؛ ۴- جشن چهارشنبه‌سوری؛ ۵- جشن آبریزگان؛ ۶- جشن یلدا؛ ۷- جشن میر نوروزی؛ ۸- جشن روز زایش اشو زرتشت؛ ۹- ...

درباره‌ی جشن‌های متفرقه، محققان نظریاتی ارائه داده‌اند. «به احتمال بسیار، این اعیاد، بویژه نوروز و مهرگان که به اعیاد اقوام بزرگ می‌ماند و نه اعیاد اقوام گله‌دار، می‌بایست اعیادی سخت کهن در نجد ایران بوده باشند و به پیش از تاریخ بازگردند و از آن اقوام بومی این سرزمین، اجداد غیرآریایی ما باشند. این اعیاد به همراه سومریان به بین‌النهرین برده شدند و دو عید ازدواج مقدس^۹ و آکیتی^{۱۰} را پدید آوردند که بعدها در بین‌النهرین این هر دو به صورت عید واحدی در آغاز سال درآمد، ولی در نجد ایران هم‌چنان تا دوره‌ی اسلامی به صورت دو عید جداگانه برقرار ماند».^{۱۱}



شهریورگان

چون فصل تابستان است و ماه شهریور، به مناسبت این ماه به بررسی جشن شهریورگان می‌پردازیم. «شهریور در پهلوی shahrewar، اوستا به معنای شهریار دل‌خواه است. در گاهان، هر مزد انجامین پاداش و پادافره را از طریق او به مردمان می‌دهد. (بستا ۴۵ بند ۷) و این ممکن است اشاره به فلز گداخته باشد که در پایان زمان، بر زمین جاری خواهد شد و مردم باید از آن گذر کنند. زیرا شهریور امشاسپند نکهبان فلزات است».^{۱۲} (بستا ۱۰ بند ۱۲۵)

شهریور (خشته وئیریه) khashathra variya از چهارمین امشاسپندان می‌باشد، این امشاسپند مینوی مذكر است. او از آفرینش جهانی فلز را به خویش گرفت و شهریور مظهر قدرت و توانایی و شکوه و عظمت و سلطنت است. در جهان مینویی او نماد فرمانروایی بهشتی است.

خانم دکتر آموزگار در مورد شهریور می‌نویسد:

«شکوه، سیطره و قدرت آفریدگار می‌باشد. در جهان مینوی، او نماد فرمانروایی بهشتی و در گیتی نماد سلطنتی است که مطابق میل و آرزو باشد تا اراده‌ی آفریدگار را مستقر کند، بیچارگان و درماندگان را در نظر داشته باشد و بر بدی‌ها چیره شود. همکاران او ایزد مهر، ایزد خورشید و ایزد آسمان هستند و ایزدان هوم، برز، اردوی سوره‌ی آن‌ها و سوک نیز جزء یاران او به‌شمار آمده‌اند. او پشتیبان فلزات است و فلزات نماد زمینی او هستند. اوست که در پایان جهان همه‌ی مردمان را با جاری کردن فلز گداخته‌ی خواهد آرمود.»^{۱۳}

روز چهارم از شهریورماه جشن شهریورگان برپا می‌شد. این جشن در گذشته، آغاز زمستان بوده و در آن برای رفع سرما و خستگی زمستان، آتش‌های بزرگ می‌افروختند و معتقد بودند که انتشار حرارت چیزهای مضر برای گیاهان را دفع می‌کند، به‌همین دلیل هم آذر جشن نامیده شده است. یکی از تشریفات این جشن حضور یافتن رعایا و زبردستان برای شادباش گویی به پیشگاه شاهان و فرماندهان خود بود که آنان نیز در این روز از زبردست‌نوازی و دل‌جویی و اطعام زبردستان کوتاهی نمی‌کردند.^{۱۴}

موبد رستم شهرزادی در مورد جشن شهریورگان می‌گوید:

«روز شهریور از ماه شهریور به‌نام جشن شهریورگان خوانده شده و چون به‌طوری که بیان شد شاهان، سروران، افسران و بزرگان کشور تحت این امشاسپند قرار دارند، آنان موظف بودند نسبت به رعایا و زبردستان خود احسان کنند تا آن امشاسپند از آنان خشنود باشد و حمایت خود را دریغ ندارد.

یکی از تشریفات این جشن حضور یافتن رعایا و زبردستان برای شادباش گویی به پیشگاه شاهان و فرماندهان خود بود که آنان نیز در این روز از زبردست‌نوازی و دل‌جویی و اطعام زبردستان کوتاهی نمی‌کردند.»

«ایرانیان اعتقاد داشتند که داراب در این روز تولد یافته است.»^{۱۵}
«... و شهریور فرشته‌ی ست که به جواهر هفت‌گانه که طلا و نقره و دیگر فلزات که قوام صنعت و دنیا و مردم بدان است، موکل است زادویه گفته است که این روز را آذر جشن می‌گویند و این روز برای آتش‌هایی که در خانه‌های مردم است، عید است و این عید در قدیم آغاز زمستان بوده است. و در این عید آتش‌های بزرگ در خانه‌ها می‌افروختند و برای صرف غذا و دیگر آشامیدنی‌ها گرد هم جمله می‌آمدند. خورشید موبد گفته است که آذر جشن، روز اول این ماه بود و این عید برای خاصه بود و از روزهای معروف ایرانیان محسوب می‌شود. مسعود سعد گوید:

ای تنت را ز نیکویی زیور شهره روزیست، روز شهریور
بر این اساس و بر طبق گزارش کوتاه بیرونی کاربرد اجتماعی شهریورگان در گردهمایی مردم، اجرای مراسم و شادمانی و سرور بوده است.^{۱۶} ■

پی‌نوشت‌ها

- ۱- ابوالقاسمی، محسن، ریشه‌شناسی، ص ۶۴.
- ۲- آذر گشسب اردشیر، آیین برگزاری جشنهای ایران باستان، ص ۴۰۳.
- ۳- آفرینگان یا آفرینها به معنی دعا و نیایش است. یک رشته از نیایش‌ها و نمازهایی که زرتشتیان در طول سال، در جشن‌های مختلف انجام می‌داده‌اند که برای ادای آن احتیاج به پرستشگاه یا جای مخصوصی نیست. چهار تا از این نیایش‌ها که مهم‌ترین آفرینگان‌ها به‌شمار می‌روند عبارتند از: ده‌مان، گات‌ها، گهنبار و ریتوین.
- ۴- فرهنگ، ه. ر. جشن‌های ویژه. فروهر شماره‌ی ۵ و ۶ سال ۶۴، ص ۲۷.
- ۵- بدیعی، مریم. شادی‌های ملی ایران و جشن‌های زردشتی (سروش پیر مغان)، ص ۵۷۸.
- ۶- بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران، ص ۴۹۵.
- ۷- موبد اردشیر آذرگشسب در کتاب آیین برگزاری جشن‌های ایران باستان چنین تقسیم‌بندی‌یی را رعایت می‌کند.
- ۸- یاققی، محمدجعفر، فرهنگ اساطیر، صص ۵۰-۵۱.
- ۹- آیین ازدواج مقدس در آغاز بهار بود و به اسطوره‌ی تموز و ایستر بیش‌تر مربوط می‌شد.
- ۱۰- آیین آکیتی معمولاً در اوایل پاییز برگزار می‌شد و با پیروزی مردوخ بر تیمات ارتباط داشت.
- ۱۱- پژوهشی در اساطیر ایران، صص ۴۹۵ - ۴۹۶.
- ۱۲- پژوهشی در اساطیر ایران، ص ۷۹.
- ۱۳- آموزگار، ژاله، تاریخ اساطیری ایران (تاریخ ایران باستان)، صص ۶۵-۶۶.
- ۱۴- شهرزادی، رستم، جشن‌های ماه‌های شهریور و مهر، ماهنامه‌ی پیک، شماره‌ی ۷، ویژه‌ی دی ماه ۱۳۵۳، یزدگردی، ص ۳.
- ۱۵- فرهنگ اساطیر و ... صفحه‌ی ۲۷۹.
- ۱۶- شادی‌های ملی ایرانی و جشن‌های زردشتی، ص ۵۹۷.

منابع

- ۱- آذرگشسب، موبد اردشیر، (۱۳۴۱)، آیین برگزاری جشن‌های ایران باستان، تهران، چاپ راستی.
- ۲- آموزگار، ژاله، (۱۳۸۲)، تاریخ ایران باستان، جلد اول (مقاله: تاریخ اساطیری ایران) تهران، سمت.
- ۳- ابوالقاسمی، محسن، (۱۳۷۴)، ریشه‌شناسی، تهران، ققنوس.
- ۴- بهار، مهرداد، (۱۳۸۱)، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران، آگاه.
- ۵- بیرونی، ابوریحان، (۱۳۶۴)، آثارالباقیه، مترجم: دانا سرشت، تهران، امیر کبیر.
- ۶- بدیعی، مریم، (۱۳۸۱)، شادی‌های ملی ایرانی و جشن‌های زرتشتی، مجموعه مقالات سروش پیرمغان، به کوشش دکتر کتابیون مزدپور، تهران، ثریا.
- ۷- شهرزادی، رستم، (دی ماه ۱۳۵۳ یزدگردی) جشن‌های ماه‌های شهریور و مهر، ماهنامه‌ی پیک (کنکاش موبدان تهران) شماره‌ی ۷، ویژه‌ی ۱۹.
- ۸- فرهنگ، ه. ر. (مرداد و شهریور ۱۳۶۴)، جشن‌های ویژه، فروهر، شماره ۵ و ۶، تهران، فروهر.
- ۹- یاققی، محمدجعفر، (۱۳۷۵)، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران، سروش.

شهریور بود و ...

فتح‌الله شکیبایی - کرج

تا همدم «حافظ» امین، گشته دلم
در حلقه‌ی عاشقی، نگین گشته دلم
شهریور بود و فرودین گشته دلم
شادم که چنان بود و چنین گشته دلم

